**اصطلاح شناسی نگاه و نکاح**

پدید آورنده : سید مجتبی حسینی ، صفحه 26

|  |
| --- |
| **زینت**«زینت»، در زبان عربی، معنایی گسترده تر از لفظ «زیور» دارد. زیور، فقط به زینت هایی گفته می شود که جزء بدن شخص به شمار نمی روند (مانند انواع زیورهای طلا و جواهر)؛ ولی کلمه زینت هم در چنین زیورهایی به کار می رود و هم به آرایش هایی گفته می شود که به بدن شخص متصل بوده و گویی جزئی از آن است (همانند سرمه و خضاب). علاوه بر این، خود زیبایی های طبیعی هم زینت به شمار می روند؛ بنابراین، شامل اندام زیبای او نیز می گردد.از آیه 31 سوره «نور» به دست می آید که زینت دو نوع است؛ زینت پنهان و زینت نمایان که آشکار کردن اولی برای بانوان ممنوع و دیگری جایز شمرده شده است. تمامی فقیهان اتفاق نظر دارند که زینت به معنای اندام و زیبایی های بدن، جزء زینت های پنهان محسوب می شوند و بانوان باید آنها را در برابر مرد نامحرم بپوشانند. در زینت به معنای زیور آلات و آرایش، میان آنان اختلاف نظر وجود دارد که آیا جزء زینت پنهان محسوب می شوند یا از زینت نمایان به حساب می آیند؛ برای مثال، در مورد حلقه ازدواج و النگو، برخی معتقدند که پوشاندن آنها واجب است؛ ولی عده ای بر این باورند که لازم نیست.**ریبه و تلذذ**«ریبه» در لغت، به معنای شک یا شک همراه خوف و ترس است و در اصطلاح، ترس از ارتکاب گناه و حرام است که از آن به «خوف فتنه» نیز تعبیر می شود و منظور از «تلذذ»، همان لذت جنسی است. اگر نگاه به دیگری، با یکی از این دو مشخصه همراه باشد، از نظر شرع مقدس، حرام است. گاهی انسان تنها به جهت لذّت بردن به زن نگاه می کند؛ بی آن که بترسد به گناه کشیده شود و گاهی نگاه از روی لذّت نیست؛ بلکه ترس آن است که به دنبال آن گناهی انجام گیرد و مقدمه ارتکاب حرام گردد. این دو نوع نگاه، حرام است. گاهی ممکن است که نگاه به زن، همراه با دو عنوان یاد شده باشد؛ که در این صورت، گناه آن شدیدتر است.**لباس شهرت**لباس شهرت، لباسی است که پوشیدن آن برای شخص، به جهت جنس پارچه یا رنگ یا کیفیت دوخت یا مندرس بودن و مانند آن، معمول نبوده، خلاف شأن او به حساب آید؛ به طوری که اگر آن را در برابر دیگران بپوشد، توجه آنان را به خود جلب کرده، انگشت نما می شود؛ در گذشته به پوشیدن لباس نظامیان از سوی فقیهان یا به عکس، مثال می زدند؛ اما اکنون و در این عصر، این مثال ها مصداق ندارند و مثال آن، شاید پوشیدن لباس رزم یا پرستاری، در مجلس عروسی باشد. باید دانست که زمان، مکان و منطقه، در تعیین مفهوم لباس شهرت، نقش بسزایی دارند.**حجاب**«حجاب»، در لغت، به معنای پرده، حاجب و پنهان کردن است و در اصطلاح، «پنهان شدن زن از دید مرد بیگانه است». آن چه دین اسلام بر زنان لازم دانسته، همان پوشش است که در متون دینی و در کلام فقیهان، از آن به ستر، پوشش، ساتر و پوشاننده، تعبیر شده است.حجاب و پوشش پیش از اسلام، در میان برخی از ملت ها ـ مانند ایران باستان، قوم یهود و شاید در هند ـ مطرح و از آن چه که در قانون اسلام آمده، سخت تر بوده است. این دستور در دین اسلام، حدود سال های چهارم و پنجم تشریع گردیده است.حجاب، یکی از احکام ضروری اسلام به شمار می آید و شیعه و سنی بر آن، اتفاق نظر دارند. خداوند متعال در این باره، سه آیه در شهر مدینه، نازل کرده و در دو مورد آن، به مسئله پوشش بانوان اشاره کرده است. علاوه بر این، احادیث بسیاری درباره اهمیت و چگونگی حجاب نقل شده است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «پوشیدگی زن، برایش بهتر است و زیبایی اش را پایدارتر می سازد».**مهر السنه**«مهر السنه»، مقدار مهری است که نبی اکرم صلی الله علیه وآله برای همسران خود و حضرت زهرا علیهاالسلام قرار داده است و مقدار آن، پانصد درهم است که هر درهم، معادل 6/12 نخود نقره سکه دار است که در مجموع، برابر 6300 نخود (یا 5/262 مثقال) می شود و قیمت آن در هر زمان، تابع نرخ همان زمان است.**مهر المسمّی**«مهر المسمّی»، مهریه ای است که مقدار آن در هنگام عقد ازدواج، معین شده و از آن نام برده شده است.**مهر المثل**«مهر المثل»، عبارت است از مهریه زنان هم ردیف؛ از نظر حسب، نسب، سن، عقل و ثروت. مهرالمثل، در برخی موارد، تحقق می یابد؛ به عنوان مثال، اگر در عقد ازدواج، برای زن مهریه ای معلوم نشود و یا مهریه ای حرام قرار داده شود، پس از زفاف (نزدیکی)، برای او مهر المثل تعیین می شود.**عقد موقت**ازدواج در فقه، بر دو قسم است؛ دائمی و موقت. عقد دائم آن است که مدت زناشویی در آن تعیین نشود و عقد موقّت آن است که مدت زناشویی در آن تعیین شود. برای مثال، اگر زن را به مدّت یک ساعت، یک روز، یک ماه، یک سال و بیشتر عقد کنند، به این عقد، متعه و صیغه گفته می شود و باید دانست که در دین اسلام، چیزی به نام صیغه خواهر و برادری با نامحرم وجود ندارد و این امر مشروع نیست.**باکره**باکره، از واژه بکره، گرفته شده است که به معنای اول روز است و در اصطلاح به زنی گفته می شود که بکارتش با نزدیکی از بین نرفته باشد و مقابل کلمه ثیب است و با توجه به این که این حالت در مرحله اول و پیش از ثیب بودن است، بک و باکره گفته می شود.**تدلیس**«تدلیس»، در لغت، به معنای فریب دادن و نشان دادن چیزی برخلاف واقع است و در اصطلاح، عبارت است از توصیف زن یا مرد به طوری که موجب اشتباه و فریب خوردن طرف دیگر در امر ازدواج شود؛ مانند نگفتن عیب های او یا ذکر کردن صفاتی که او ندارد به عنوان مثال بگویند که همسر (نامزد)، دکتر یا مهندس و... است و او چنین نباشد؛ به طوری که اگر این اوصاف گفته نمی شد و یا عیوب او بیان می گردید، طرف مقابل، راضی به ازدواج نمی شد. |